

کَلِپَرَه

طعن‌های سیاسی و اجتماعی

گردآوری:

سید محمد رضا حسینی

www.ketab.ir

انتشارات شلاک

تهران - ۱۴۰۰

سرشناسه	: حسینی، سیدمحمد رضا، ۱۳۴۶، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: کلیت‌ره: طعن‌های سیاسی و اجتماعی/گردآوری سیدمحمد رضا حسینی.
مشخصات نشر	: تهران : انتشارات شلاک، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۶۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۷-۲۷۱-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: داستان‌های آموزنده فارسی - مجموعه‌ها
موضوع	: Didactic fiction, Persian - Collections
موضوع	: داستان‌های آموزنده - مجموعه‌ها
موضوع	: Didactic fiction - Collections
رده بندی کنگره	: ۴۲۲۷PIR
رده بندی دیویی	: ۸ فا ۳/۰۰۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۷۰۱۵۹



انتشارات شلاک

کلیترة

طعنات سياسى و اجتماعى

ناشر	✱ انتشارات شلاک
گردآورنده	✱ سيد محمدرضا حسيني
چاپ اول	✱ زمستان ۱۴۰۰
شمارگان	✱ ۱۰۰۰ جلد
قيمت	✱ ۶۸۰۰۰ تومان
شابک	✱ ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۲۵۷ - ۲۷۱ - ۴

تهران جمالزاده جنوبى خ ديلمان ب ۱۴ واحد ۱

تلفن ۶۶۵۹۲۳۵۷ و ۰۹۱۲۲۲۵۱۲۶۸

www. Shelak. org

pubshelak@yahoo. com

فهرست

۲۸ -----	مقدمه ----- ۹
۲۹ -----	از بزرگان چه آید؟ ----- ۱۱
۳۰ -----	اعمال ما ----- ۱۲
۳۱ -----	آدم شدن و حاکم شدن ----- ۱۳
۳۲ -----	همه تقلبی اند ----- ۱۴
۳۴ -----	به سمت شیء بی ارزش ----- ۱۶
۳۶ -----	راز زنده ماندن ----- ۱۷
۳۸ -----	بیمار روانی کیست؟ ----- ۱۸
۴۰ -----	فرق قلم و کلنگ ----- ۱۹
۴۱ -----	پسر مش صفر ----- ۲۰
۴۲ -----	حاکم کافر عادل یا حاکم مسلمان ----- ۲۱
۴۴ -----	ظالم؟! ----- ۲۱
۴۵ -----	هیوون کیه؟ ----- ۲۲
۴۶ -----	شاه‌دزدان را رها کرده‌اند ----- ۲۳
۴۸ -----	از ماست که بر ماست ----- ۲۴
۴۹ -----	بدا به حال آدمی که بخواهد... ----- ۲۵
۲۸ -----	برو به جهنم ----- ۲۸
۲۹ -----	مدیر کیست؟ ----- ۲۹
۳۰ -----	چرچیل و راننده تاکسی ----- ۳۰
۳۱ -----	تکلم آزاری ----- ۳۱
۳۲ -----	دزد واقعی ----- ۳۲
۳۴ -----	سطح شعور اجتماعی ----- ۳۴
۳۶ -----	شکنجه‌های خاموش ----- ۳۶
۳۸ -----	ثروتمند کیست؟ ----- ۳۸
۴۰ -----	پا بگذار روی خود ----- ۴۰
۴۱ -----	دو دیدگاه ----- ۴۱
۴۲ -----	گرانیهاترین دارایی هر زن ----- ۴۲
۴۴ -----	باغچه کوچک ما سیب نداشت ----- ۴۴
۴۵ -----	معلم بی سواد ----- ۴۵
۴۶ -----	پیش‌بینی ----- ۴۶
۴۸ -----	آدم احمق ----- ۴۸
۴۹ -----	عاشق عصبانی ----- ۴۹

- فرمانروایی بوته‌ی خار ----- ۵۰
ای تف ----- ۵۲
خر ما از کره‌گی دم نداشت --- ۵۳
هرگز مشکلات رو به کسی نگو - ۵۵
باغ وحش انسان‌ها ----- ۵۶
گوش سالم ----- ۵۹
صحبتی غیر از اسب و سگ و مسائل
جنسی ----- ۶۰
کار بدون رئیس ----- ۶۱
آنچه که به آن می‌نازی جز یک
سراب نیست ----- ۶۴
نیازمند ----- ۶۷
سیاستمدار ----- ۶۸
دیدگاه گورخری! ----- ۷۰
دزد و فقیر ----- ۷۲
تا به آگاهی نرسید ----- ۷۴
وقتی بمیرم هیچ اتفاقی نخواهد... ۷۵
حکایت چاله‌های شهر ما ----- ۷۶
آیا پاچه‌خواری ریشه این سرزمین را
خواهد سوزاند ----- ۷۸
شهر دیوانگان ----- ۷۹
راز پیشرفت ----- ۸۰
همه محکوم هستیم ----- ۸۲
هر کی بیش تر ... ----- ۸۳
هلاکت به دست خود، نه گلوله‌ای
لازم است نه نیزه‌ای ----- ۸۴
ملت‌ها چگونه تباه شدند ----- ۸۵
از تو کاشتن است و از ما خوردن - ۸۶
ضد تبلیغ ----- ۸۷
شعارهای مجازی ----- ۸۸
عاشق اگر می‌شويد ----- ۹۰
حس پرواز ----- ۹۱
الاغ (۱) ----- ۹۲
الاغ (۲) ----- ۹۳
چوبانی به مقام وزارت رسید - ۹۴
لطفاً گوسفند نباشید ----- ۹۵
خرسواران ----- ۹۶
نادان ----- ۹۷
آزمایش ذهنی نوشتن روی ... - ۹۸
گر چه خاک سرزمین پاکم از جنس
طلاست ... ----- ۱۰۰
انسانی و گرگ ----- ۱۰۳
سه گانه دزد و داروغه ----- ۱۰۴
دست دراز ----- ۱۰۵
خون دل بابا ----- ۱۰۶
لطفاً دهانتان را ببندید ----- ۱۰۷
هیدروژن اکسید ----- ۱۰۸
هشت اصل برای یک مرگ ... ۱۰۹
راز ----- ۱۱۲
دیکتاتور ----- ۱۱۴
بزرگ‌ترین مصیبت ... ----- ۱۱۵
با اون ترمزی که تو کردی همه قاتی
پاتی شدند ----- ۱۱۶
دوستانت را نزدیک خودت نگه دار

مسافر ----- ۱۵۳
 من نمی‌دانم، این رسم ماست، همه
 این کارو می‌کنن ----- ۱۵۴
 روزی ----- ۱۵۵
 کانیدنا ----- ۱۵۶
 پاسخ‌های فرضی به یک سؤال: چرا
 مرغ از خیابان رد شد؟ ----- ۱۶۰
 با این سگ‌ها چه کردی؟ ----- ۱۶۲
 زهر ----- ۱۶۴
 اخاذی ----- ۱۶۵
 شاید بغل‌دستیت یه دیوونه باشه ----- ۱۶۸
 انسان زشت ----- ۱۶۹
 امروز که هنوز هم زنده ام، مرا... ۱۷۱
 ریشه آب کثیف ----- ۱۷۲
 دردی بانک ----- ۱۷۸
 من چند بار گفتم کم خور دو سه
 پیمانه ----- ۱۷۶
 ابطال حدود ----- ۱۷۹
 حج ما (۱) ----- ۱۸۰
 حج ما (۲) ----- ۱۸۲
 حج ما (۳) ----- ۱۸۴
 استعمارگران همانند گرگانند؟! ۱۸۷
 اینجا درس‌هایت به هیچ درد می‌خورد،
 پسر جان! ----- ۱۸۸
 کدام رشته حقوق یا روان‌شناسی؟ ۱۹۲
 گزیده‌ای از کتاب حاکم دبی -- ۱۹۴
 آنکه می‌ستاند زاهد نیست --- ۱۹۸

و دشمنانت را نزدیک‌تر ----- ۱۱۷
 تنها کسانی در مقابل فساد و بی‌قانونی
 می‌ایستند که... ----- ۱۲۰
 تشویق ----- ۱۲۱
 حسرت ----- ۱۲۲
 ۱۹ ویژگی بی‌شعورها ----- ۱۲۴
 ترازو ----- ۱۲۷
 دوره فشرده ارتقاء ----- ۱۲۸
 به چه کسی خدمت می‌کنی؟ -- ۱۳۰
 عدالت ----- ۱۳۱
 رفتار بعضی از آدم ----- ۱۳۲
 کشتی رانی مگس ----- ۱۳۴
 دختر یا پسر ----- ۱۳۶
 نیک‌دلی ----- ۱۳۸
 ماه یا ماهی ----- ۱۴۰
 او انقدر انسان درستکار و شریفی
 بود و من نمی‌دانستم؟ ----- ۱۴۲
 مواظب وعده‌هایمان باشیم --- ۱۴۴
 چرا به جنگ نروی ----- ۱۴۵
 یک نگهبان دزد بهتر از سه نگهبان
 دزد بود ----- ۱۴۶
 حق همه‌رو به‌طور مساوی بخور ۱۴۷
 حسنگ چه شد؟ ----- ۱۴۸
 لگد به گاو مقدس ----- ۱۴۹
 بی‌رحم‌ترین خواهر دنیا ----- ۱۵۰
 گاو ----- ۱۵۱
 اگر دوست‌داری هرگز کار نکنی.. ۱۵۲

مقدمه

جلوگیری از فساد قدرت و راهکارهای کنترل آن، از مباحث اساسی فلسفه سیاست است. توزیع قدرت و تفکیک قوا و نیز وضع دستگاه‌ها و نهادهای نظارتی، از مهم‌ترین عوامل بازدارنده آن محسوب می‌شود. مطمئن‌ترین و سالم‌ترین و مؤثرترین عامل برای کنترل قدرت حاکمان، حضور پویا و آگاهانه همراه با احساس مسؤولیت و دلسوزانه مردم در صحنه و مراقبت دائمی آنان از جریان حاکمیت و مدیریت جامعه و نقد و ارزیابی همیشگی و پیگیرانه آنان از اعمال و رفتار مدیران و مسئولان حکومت است. از موضوعاتی که در خصوص انتقاد از حکومت و حاکمان مطرح است، تنافی انتقاد از حاکمان با امنیت ملی است. که اگر نقد و انتقاد از روی میزان و در حدود تعریف شده آن صورت نپذیرد نه تنها تضادی با امنیت ندارد، بلکه مقوم آن و محقق آن به حساب می‌آید. انتقادگری و انتقادپذیری لازمه پویایی و حرکت تکاملی جامعه اسلامی نیز هست. با توجه به نقشی که انتقاد در سازندگی فرد و اجتماع دارد، اسلام بر تذکر کاستی‌ها و نقد عمل‌ها به جای آراستن عیوب و کتمان زشتی‌ها، تأکید ورزیده است.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

کسی که برادرش را در حال انجام عمل ناپسندی ببیند، درحالی‌که می‌تواند او را از این کار بازدارد و سکوت کند و از او انتقاد نکند. به او خیانت کرده است. (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۹۰)

به دلیل نام خاص کتاب در متن این کتاب از آیات و سخنان ائمه (ع) استفاده نشده است، در عوض گفتاری از جلد اول کتاب علی صدای عدالت

انسانیت با عنوان علی و حقوق بشر با سخنی از مولای متقیان بسیار بیش از کل مطالب این کتاب می‌ارزد:

"او در سر آن نبود تا سیر بخورد و خوش بپوشد و راحت بخوابد، درحالی که روی زمین فقرا و بینوایانی باشند که حتی امید به قرص نانی نداشته باشند.

و بیان او چه بزرگ است: آیا من خود را قانع کنم که به من امیرالمؤمنین بگویند، ولی در سختی‌های زندگی با آنان (مردم و فقرا) دمساز نباشم. علی (ع) معتقد بود که «راستی را اگرچه به تو زیان رساند، بر دروغ، اگرچه به سود تو باشد، مقدم دار».

به مصیبت دیگران شادی نکن و با مردم به نرمی و محبت، دوستی کن. کرم و بخشش از اخلاق و مین جوانمردی او بود. از هیچ مخلوقی کینه به دل نداشت.

او معتقد است که:

آن که محتاج قرص نانی است چگونه می‌تواند فاضل باشد؟

آن کس که آتش گرسنگی درونش را عذاب می‌دهد و خون زندگی را در رگ و پوستش می‌خشکاند و نور ایمان را در دلش خاموش می‌سازد، دوستی را به کینه‌ای عمیق و آرامش خاطر و پاکی روح را به بدبینی و بغض و عداوت وحشتناک بدل می‌سازد، نمی‌تواند فردی مطمئن به زیبایی‌های زندگی و مو من به عدالت دیگران و راهنمای برادر خود و دوست دار مردمان باشد."